

## مقایسه مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی در زوج‌های با ازدواج سفید و رسمی

### Comparison of Object Relations and Integrative Self-Knowledge Components in Cohabitation and Official Marriage

Mohammad Ahmadvand  
Shahverdi  
MA in General Psychology  
University of Tehran

Farideh Ramezani Moghadam Arani  
PhD in Health Psychology  
University of Tehran

محمد احمدوند شاهوردی\*  
کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی  
دانشگاه تهران

فریده رمضانی مقدم آرائی  
دکتری روان‌شناسی سلامت  
دانشگاه تهران

#### چکیده

هدف این پژوهش مقایسه مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی در زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی بود. روش پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای و جامعه آماری آن زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی ۲۰ تا ۴۰ ساله‌ای بود که در سال ۱۴۰۰ در ایران سکونت داشتند. ۱۲۰ نفر زن و مرد به صورت نمونه‌برداری داوطلب انتخاب شدند و سیاهه روابط موضوعی بل (بل، ۲۰۰۷) و مقیاس خودشناسی انسجامی (قربانی، واتسون و هارگیس، ۲۰۰۸) را تکمیل کردند. در پایان، برای تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چندمتغیری استفاده شد. نتایج نشان داد که تفاوت معناداری در مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی در زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی وجود ندارد. در مجموع، یافته‌های این پژوهش می‌تواند به درک روان‌شناختی دقیق‌تر از این پدیده اجتماعی نوظهور در جامعه در حال گذار ایران کمک شایانی کند، تضاد میان برخی یافته‌های پژوهش‌های گذشته را تا حدی برطرف سازد و به پژوهش‌های آینده جهت دهد.

واژه‌های کلیدی: ازدواج سفید، روابط موضوعی، خودشناسی انسجامی

#### Abstract

This study aimed to compare the Object Relations and Integrative Self-knowledge between officially married couples and cohabitants. The statistical population of this causal-comparative study included all officially married and cohabitant couples between 18 to 40 years old living in Iran in 2021. 120 men and women were selected by convenience sampling method and filled out Bell Object Relations Inventory (Bell, 2007) and Integrative Self-knowledge Scale (Ghorbani, Watson & Harges, 2008). To analyze the data of this study, multivariate analysis of variance was applied. The results indicated that there was no significant difference in Object Relations and Integrative Self-knowledge components between cohabitants and officially married couples. Findings of this study can contribute to better psychological understanding of this emerging phenomenon in the transitional society of Iran, resolve partly the basic contradictions in the results of recent researches and open new horizons for future studies.

**Keywords:** cohabitation, object relations, integrative self-knowledge

received: 20 November 2021

accepted: 23 February 2022

دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۲۹

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۴

\*Contact information: ahmadvand.m@ut.ac.ir

## مقدمه

نهاد «خانواده» از جمله مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل تأثیرگذار در شکل‌دهی روابط بین‌فردی افراد جامعه و ساختارهای اجتماعی به‌شمار می‌آید. طی دهه‌های گذشته، عوامل عمده‌ای همچون تحولات اقتصادی و فرهنگی موجب شده‌اند تا ساختار خانواده در سطح جهانی با تغییرات گسترده‌ای مواجه شود (کار، ۲۰۱۱). اکنون در ایران فرایند جهانی شدن همگام با گسترش فزاینده امکانات ارتباطی شتاب بیشتری گرفته است (خلج‌آبادی‌فراهانی، کاظمی‌پور و رحیمی، ۲۰۱۳) و اکثر افراد جامعه می‌توانند سبک زندگی خود را تا حدودی مطابق با آنچه که می‌خواهند انتخاب کنند (فرهمند، جواهرچیان و جواهرچیان، ۲۰۱۴).

در همین حال، پدیده ازدواج میان جمعیت مناطق شهری نسبت به چند دهه قبل تغییرات عمده‌ای داشته است (آزادارمکی، شریفی‌ساعی، ایشاری و طالبی، ۲۰۱۲)؛ به‌طوری که طی سال‌های گذشته، الگوی جدیدی از روابط زن و مرد در ایران به‌شکل هم‌خانگی بدون ازدواج ظهور یافته است که «ازدواج سفید» نام دارد. اگرچه در این سبک زندگی زن و مرد با هم زندگی می‌کنند و مدیریت خانه بر عهده هر دوی آنان است، اما به‌لحاظ قانونی زن و شوهر محسوب نمی‌شوند و پیوند آن‌ها در نهادهای رسمی مربوطه ثبت نمی‌شود. در یک دهه گذشته، مسئله هم‌خانگی بدون ثبت رسمی در آن‌سوی دنیا مورد توجه عده‌ای از محققان روان‌شناسی و جامعه‌شناسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال، یک پژوهش در ایالات متحده آمریکا نشان داده که میزان رضایتمندی از رابطه در افرادی که پیش از ازدواج تجربه هم‌خانگی نداشته‌اند، به‌مراتب بیشتر از افرادی است که تجربه آن را داشته‌اند (موریس، مک‌الوسو و اشفورد، ۲۰۱۹). نتایج پژوهش ژانگ (۲۰۱۷) در چین نیز از نوعی رابطه مثبت میان تجربه ازدواج سفید و طلاق پس از ازدواج در میان افرادی حکایت می‌کند که طی سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۴

ازدواج کرده‌اند. نکته قابل توجه آنکه رابطه مثبت بین این متغیرها در گذر زمان ناپدید می‌شود، به‌طوری که اکنون رابطه معناداری بین تجربه ازدواج سفید و نرخ طلاق بین افرادی که طی سال‌های ۱۹۹۵ تا ۲۰۱۰ ازدواج کرده‌اند، وجود ندارد (ژانگ، ۲۰۱۷). یکی از دلایل عمده این اتفاق می‌تواند رواج هم‌خانگی پیش از ازدواج در میان جوانان چین طی یک دهه گذشته باشد. پژوهش دیگری که در آمریکا روی بیش از ۲۱۶ هزار زوج انجام شد، نشان داده است که میزان طلاق در سال اول زندگی مشترک میان افرادی که پیش از ازدواج تجربه ازدواج سفید داشته‌اند، کمتر از گروه مقابل است (روزنفیلد و راسلر، ۲۰۱۹). آن‌ها علت این مسئله را سازگاری زوج‌ها با یکدیگر پیش از ازدواج بیان کردند. علاوه بر این، پژوهش دیگری در آمریکا نشان داده که تقریباً ۷۰ درصد ازدواج‌های بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ با هم‌خانگی آغاز شده‌اند (کوپربرگ، ۲۰۱۹).

در سال‌های گذشته و به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، بررسی نقش روان‌سازها بر کیفیت روابط این دسته زوج‌ها اهمیت بیشتری یافته است. بر اساس پژوهش‌های گذشته، دو عامل روابط موضوعی<sup>۲</sup> و خودشناسی انسجامی<sup>۳</sup> نقش مهمی در کیفیت روابط اشخاص و به‌ویژه زوج‌ها ایفا می‌کنند (آق‌آتابای، ۲۰۱۵؛ احمدی، آزاد فلاح و فراهانی، ۲۰۱۸؛ رازقی، مظاهری و احدی، ۲۰۰۵).

اصطلاح موضوع<sup>۴</sup> که اولین بار توسط فروید<sup>۱</sup> ابداع شد، به هر چیزی اشاره دارد که نیازی را ارضا می‌کند (سنت کالر، ۲۰۱۱). در نظریه‌های روان‌پویشی، روابط موضوعی سازه‌ای بنیادین به‌شمار می‌آید که نقش اساسی در تبیین سلامت روانی فرد دارد. بررسی‌ها در زمینه روابط موضوعی و نقش آن در شکل‌گیری روابط بعدی اشخاص نشان داده‌اند که کیفیت روابط عاطفی به‌طور چشمگیری تحت تأثیر ارتباطات سال‌های اولیه والد-فرزند قرار دارد (کلی، ۲۰۱۴).

1 - cohabitation  
2 - object relations  
3 - integrative self-knowledge

4 - object  
5 - Freud, S.

زمان‌مند و سازمان‌یافته به‌منظور خودنظم‌دهی است (قربانی، واتسون، بینگ، دیویسن و لیبرتون، ۲۰۰۳؛ قربانی، واتسون و هرگیس، ۲۰۰۸). خودشناسی فرایندی پویا، انطباقی و انسجام‌بخش است که در تمامی لحظات زندگی فعال است. خودشناسی، تجارب و اسنادهای مربوط به خود را به‌صورت معنا‌داری تلفیق می‌کند، روند خودنظم‌دهی را تسهیل می‌کند و سلامت روانی را ارتقا می‌بخشد. خودشناسی دارای دو مؤلفه تجربی و تأملی است. خودشناسی تجربی<sup>۳</sup> پردازش اطلاعات مربوط به خود است که بر اساس تغییرات لحظه‌به‌لحظه صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، خودشناسی تجربی نوعی آگاهی به حالت‌های روان‌شناختی جاری است که پردازش محتوای تجارب کنونی و تفکیک آن‌ها از یکدیگر را برای فرد ممکن می‌سازد. در مقابل، خودشناسی تأملی<sup>۴</sup> شامل پردازش شناختی اطلاعات مرتبط با گذشته در مورد خویش است. این دو مؤلفه در ارتباط تنگاتنگ با یکدیگر، مهار و تنظیم رفتار، احساس‌ها و افکار را بر عهده دارند و مجموع آن‌ها خودشناسی انسجامی نامیده می‌شود (قربانی، کریستوفر، کانیگهام و واتسون، ۲۰۱۰).

خودشناسی انسجامی همچنین به شخص امکان آن را می‌دهد که به‌واسطه درک توانمندی‌های خود، افکار و احساساتش را سازمان‌دهی کند و مناسب‌ترین گزینه را برای کسب نتایج مطلوب انتخاب کند (قربانی و دیگران، ۲۰۰۸). آق‌آتابای (۲۰۱۵) نیز در پژوهش خود در مورد ۲۵۵ نفر از دانشجویان تهران نشان داده است که خودشناسی انسجامی با جامعه‌ستیزی و افسردگی ارتباط منفی و با رضایت از زندگی و ارزش خود همبستگی مثبت معنا‌دار دارد.

یافته‌های پژوهش احمدوند شاهرودی، پورحسین و غلامعلی لواسانی (۲۰۲۲) با هدف واکاوی پدیدارشناسانه از دواج سفید نیز نشان داده که از دواج سفید با چهار مقوله هسته «رابطه‌ای بر پایه توافق دوطرفه»، «زندگی در لحظه حال»، «احساس عدم تعلق به جامعه» و «عصبانگری» تعریف و تبیین می‌شود. همچنین، نتایج

به عقیده نظریه‌پردازهای روان‌شناسی من<sup>۱</sup> مانند هارتمن<sup>۲</sup>، روابط موضوعی یکی از کنش‌های من به‌شمار می‌آید که نقش کلیدی در عملکرد آرمانی فرد دارد (بارتلف، ۱۹۹۱). به‌عبارت دیگر، روابط موضوعی الگوی ناهشیاری است که فرد در روابط صمیمانه خود به‌کار می‌گیرد. روابط موضوعی که در دوران کودکی و در ارتباط با مراقبان اولیه شکل می‌گیرد، به‌مرور پیچیده‌تر می‌شود تا آنجا که می‌توان آن را ظرفیت افراد برای برقراری روابط انسانی تعریف کرد (کلی، ۲۰۱۴). زندگی زناشویی نیز به‌دلیل ماهیت پیچیده خود عرصه‌ای مهم است که الگوی روابط موضوعی فرد را فعال می‌سازد.

بر اساس دیدگاه وینی‌کات، حرکت من از وابستگی مطلق به مادر به‌سوی استقلال مبنای رشد سالم است (وینی‌کات، ۱۹۶۵). وی معتقد بود که اگر مادر نتواند خود را با نیازهای کودک هماهنگ کند و محیط ناکام‌کننده یا ارضای افراطی فراهم سازد، کودک قادر نخواهد بود تا رابطه بین خود و مادر خوب را درونی کند و به استقلال برسد. این کودک در بزرگسالی به‌طور مداوم دنبال موضوع‌های گوناگونی می‌گردند تا بتوانند از طریق آن‌ها، منبع دل‌بستگی خود را که زمانی از آن محروم شده‌اند، دوباره به‌دست آورند. در واقع، دیگران برای این افراد نقش موضوع‌های گذاری را دارند که اضطراب فقدان موضوع را در آن‌ها تسکین می‌دهد (وینی‌کات، ۱۹۶۵).

یافته‌های پژوهش احمدی و دیگران (۲۰۱۸) حاکی از آن است که زوج‌ها در موقعیت‌های ارتباطی به‌صورت ناهشیار همان جنس روابطی را به‌کار می‌بندند که در کودکی درونی‌سازی کرده‌اند. به‌طور کلی، یافته‌های متعدد (احمدی و دیگران، ۲۰۱۸؛ رازقی و دیگران، ۲۰۰۵؛ مارکویچ، ۲۰۰۰) بر این مسئله تأکید دارند که شکل‌گیری تعارض‌های زوج‌ها را نمی‌توان تنها در چارچوب روابط کنونی آن‌ها تبیین کرد.

از سوی دیگر، خودشناسی انسجامی به‌معنای ظرفیت فهم فرایندها و تجربه‌های درونی به‌شکلی

1 - ego

2 - Hartmann, H.

3 - experiential self-knowledge

4 - reflective self-knowledge

این پژوهش از میزان رضایت‌مندی و تعهد بالا در مصاحبه‌شوندگان حکایت می‌کند.

در پژوهش دیگری که با هدف مقایسه سبک زندگی و احساس خوشبختی در میان زوج‌های ازدواج سفید، سنتی و مدرن انجام گرفت، تأیید شد که میزان سبک زندگی آرامش‌محور در گروه ازدواج‌های سنتی بیشتر از ازدواج‌های مدرن و ازدواج سفید است؛ اما بین ازدواج مدرن و ازدواج سفید در این شاخص، تفاوت معنادار وجود ندارد. همچنین، در این پژوهش مشخص شد که میزان احساس خوشبختی زوجین در ازدواج‌های مدرن بالاتر از دو گروه دیگر است (معینی‌پور، ۲۰۲۱). عبارت ازدواج مدرن در این پژوهش به وجود رابطه دوستانه پیش از ازدواج میان زوج‌ها اشاره دارد.

کریمیان و زارعی (۲۰۱۶) در پژوهش خود با نگاهی آسیب‌شناسانه به ۷ تم «رضایت نسبی از رابطه»، «تعهد متقابل ضعیف»، «کیفیت پایین رابطه»، «ترس از قضاوت خانواده و جامعه»، «آسیب‌های شخصی»، «رابطه معامله‌گونه» و «نداشتن تصمیم برای ازدواج» در وضعیت زندگی زنان دارای رابطه هم‌خانگی با جنس مخالف اشاره کرده‌اند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد که علل دیگری با ازدواج سفید مرتبط باشند. در همین زمینه، نتایج پژوهشی نشان داده که عواملی نظیر «شناخت خود و طرف مقابل» و همچنین «شرایط اقتصادی و شغلی فرد» در شکل‌گیری این پدیده اجتماعی نقش دارند (سفیدگر، ۲۰۱۶). علاوه بر این، ابراهیمی (۲۰۱۹) با پژوهش در مورد جوانان شهر تهران گزارش داده است که زمینه‌های خانوادگی، تجربه‌های ناموفق ارتباط با جنس مخالف و ضعف اعتقادات دینی از جمله مهم‌ترین زمینه‌های گرایش به ازدواج سفید به‌شمار می‌آیند.

سهرابزاده، نوروزی و عسکری‌کوپری (۲۰۱۷) نیز بر مقوله‌های «دگرگونی معیارهای ازدواج»، «اجتناب‌گری از ازدواج»، «عدم اعتقاد به ازدواج»، «سرخوردگی از ازدواج»، «احساس برابری»، «افزایش عاملیت» و «تجربه رضایت‌بخش هم‌خانگی» تأکید داشته‌اند. آن‌ها در پایان، مفهوم «هم‌خانگی انتخابی

شخصی متأثر از شرایط ناگزیر فرهنگی و اقتصادی» را به‌عنوان مقوله هسته انتخاب کرده‌اند. در یک پژوهش نوآورانه، اکبرزاده و هاشمیان‌فر (۲۰۲۰) با سنجش تعهد در زوج‌های ازدواج سفید گزارش داده‌اند که ریخت‌شناسی تعهد در ازدواج سفید در طیفی از اخلاق متعارف تا اخلاق فراعرفی قرار دارد. به عبارت دیگر، تعهد در ازدواج سفید معنایی وسیع، چندبُعدی و سیال دارد و نمی‌توان این مفهوم را در این سبک از زندگی ذیل یک قاعده کلی ارزش‌گذاری کرد.

با توجه به گسترش سبک‌های زندگی مدرن در کلان‌شهرهای ایران (گلچین و صفری، ۲۰۱۷) انتظار می‌رود که نتایج مقایسه مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی در زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی بتواند در فهم و تبیین روان‌شناختی پدیده نوظهور ازدواج سفید در جامعه در حال گذار ایرانی کمک شایانی کند. علاوه بر این، فقدان پژوهش‌های کمی در این زمینه بسیار احساس می‌شود و لازم است تا پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام شود. بنابراین، در این پژوهش تلاش شد تا دو متغیر روان‌پویایی مرتبط با مقوله‌های هسته پژوهش احمدوند شاهوردی و دیگران (۲۰۲۲) در میان دو گروه زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی مقایسه شود. در این پژوهش، سؤال اصلی این بود که آیا بین دو گروه زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی در دو متغیر روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی تفاوت وجود دارد؟

## روش

جامعه آماری این پژوهش علی-مقایسه‌ای تمامی زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی ۲۰ تا ۴۰ ساله‌ای بود که در سال ۱۴۰۰ در ایران ساکن بودند، در فضای مجازی حضور داشتند و از شروع زندگی مشترک آن‌ها زیر یک سقف حداقل ۶ ماه و حداکثر ۳۶ ماه گذشته بود. برای انتخاب نمونه پژوهش که به‌صورت داوطلبانه صورت گرفت، فراخوانی در شبکه‌های اجتماعی توئیتر، اینستاگرام و تلگرام به اشتراک گذاشته شد و داوطلبان پس از قبول شرایط پژوهش و با رضایت آگاهانه، پرسشنامه‌های پژوهش

نفر گروه ازدواج رسمی) در نظر گرفته شد. اکثر شرکت‌کنندگان دارای مدرک تحصیلی کارشناسی و کارشناسی ارشد بودند. همچنین، مدت زمان زندگی مشترک در میان بیشتر آن‌ها کمتر از ۱۰ ماه بود. جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت‌شناختی اعضای نمونه را نشان می‌دهد.

را به‌صورت آنلاین تکمیل کردند. حداقل حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار GPower ۳,۱ (اندازه اثر = ۰/۵ و سطح معناداری = ۰/۰۵) معادل ۸۸ نفر برآورد شد، اما در نهایت به‌منظور افزایش دقت برآورد آماری، تعداد کل اعضای نمونه با رعایت ملاک‌های ورود و خروج ۱۲۰ نفر (۶۰ نفر گروه ازدواج سفید و ۶۰

## جدول ۱

توزیع فراوانی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان در پژوهش

متغیر		ازدواج سفید فراوانی (درصد)	ازدواج رسمی فراوانی (درصد)
جنس	زن	۴۴ (۷۳/۳)	۵۸ (۹۶/۷)
	مرد	۱۶ (۲۶/۷)	۲ (۳/۳)
سن	۲۰ تا ۲۵ سال	۱۸ (۳۰)	۱۱ (۱۸/۳)
	۲۵ تا ۳۰ سال	۱۸ (۳۰)	۲۷ (۴۵)
	۳۰ تا ۳۵ سال	۱۸ (۳۰)	۱۸ (۳۰)
	۳۵ تا ۴۰ سال	۶ (۱۰)	۴ (۶/۷)
میزان تحصیلات	دیپلم	۲۶ (۴۳/۳)	۲ (۳/۳)
	کارشناسی	۱۸ (۳۰)	۲۰ (۳۳/۳)
	کارشناسی ارشد	۱۲ (۲۰)	۲۸ (۴۶/۷)
	دکتری	۲۹ (۴۸/۳)	۱۰ (۱۶/۷)
مدت زمان زندگی مشترک	کمتر از ۱۰ ماه	۲۲ (۳۶/۷)	۲۳ (۳۸/۳)
	۱۰ تا ۲۰ ماه	۱۳ (۲۱/۷)	۱۷ (۲۸/۳)
	۲۰ تا ۳۰ ماه	۷ (۱۱/۷)	۴ (۶/۷)
	۳۰ ماه به بالا	۲۹ (۴۸/۳)	۵ (۸/۳)

با این حال، همگن‌سازی دو متغیر الزاماً به همگن‌شدن سایر متغیرها نمی‌انجامد. در این پژوهش به‌علت عدم همکاری مردان در تکمیل پرسشنامه‌ها، زنان (۱۰۲ نفر) به لحاظ تعداد سهم بسیار بیشتری نسبت به مردان (۱۸ نفر) داشتند. تحلیل داده‌های پژوهش به کمک آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری انجام شد.

### سیاهه روابط موضوعی بل<sup>۱</sup> (بل، ۲۰۰۷).

این سیاهه دارای ۴۵ ماده است که روابط موضوعی را در قالب چهار زیرمقیاس دل‌بستگی ناایمن، بیگانگی<sup>۲</sup>، بی‌کفایتی اجتماعی<sup>۳</sup> و خودمیان‌بینی<sup>۴</sup> می‌سنجد. در

جمع‌آوری داده‌ها در شهریور و مهر سال ۱۴۰۰ انجام شد و میانگین زمان تکمیل پرسشنامه‌ها توسط افراد ۱۵ دقیقه بود. با توجه به آنکه به نظر می‌رسید متغیرهای سن و مدت زمان زندگی مشترک بر نتایج پژوهش اثرگذار باشند، گروه‌های پژوهش تا حد امکان در این دو متغیر همگن شدند، به‌طوری که میانگین سن گروه ازدواج سفید ۲۸/۸۵ و گروه ازدواج رسمی ۲۹/۰۵ سال بود. متغیر مدت زمان زندگی مشترک نیز برای گروه ازدواج سفید معادل ۱۸/۸۸ و برای گروه ازدواج رسمی برابر با ۱۹/۳۸ ماه بود.

1 - Bell Object Relations Inventory (BORI)  
2 - alienation

3 - social incompetence  
4 - egocentricity

معکوس معنادار دارند و دل‌بستگی نایمن با مکانیزم‌های دفاعی نوروتیک رابطه مستقیم معنادار ( $P < 0.01$ ) و با مکانیزم‌های رشدیافته نیز رابطه منفی دارد.

### مقیاس خودشناسی انسجامی<sup>۱</sup> (قربانی،

واتسون و هارگیس، ۲۰۰۸). این مقیاس که حاصل بازنگری در نظریهٔ دو مؤلفه‌ای خودشناسی تجربی و تأملی است (قربانی و دیگران، ۲۰۰۳؛ ۲۰۰۸)، هر دو مؤلفه را به شکل منسجم و یکپارچه در ۱۲ ماده روی یک پیوستار از ۱ (عمدتاً نادرست) تا ۵ (عمدتاً درست) می‌سنجد. در این مقیاس، نمرهٔ کل آزمودنی که از حاصل جمع نمرهٔ ماده‌ها به دست می‌آید بین ۱۲ تا ۶۰ خواهد بود و نمره‌های بالا نشانگر خودشناسی بیشتر است. بررسی‌های متعدد اعتبار و روایی بالای این مقیاس را تأیید کرده‌اند. قربانی و دیگران (۲۰۰۸) در پژوهش خود در مورد سه نمونهٔ ایرانی و سه نمونهٔ آمریکایی، آلفای کرونباخ مقیاس را به ترتیب در نمونهٔ اول ایرانی ۰/۸۲، نمونهٔ دوم ایرانی ۰/۸۱ و نمونهٔ سوم ایرانی ۰/۸۱ و همچنین در نمونهٔ اول آمریکایی ۰/۷۸، نمونهٔ دوم آمریکایی ۰/۷۸ و نمونهٔ سوم آمریکایی ۰/۷۴ گزارش داده‌اند. همچنین در نمونه‌های ایرانی ضریب همبستگی خودشناسی انسجامی با خودشناسی تأملی و تجربی به ترتیب ۰/۴۲ و ۰/۳۰ و با بهوشیاری ۰/۴۱ بود. این ضرایب در نمونه‌های آمریکایی نیز به ترتیب معادل ۰/۴۱، ۰/۳۸ و ۰/۳۱ بود و ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ۰/۷۹ به دست آمد (قربانی و دیگران، ۲۰۰۸). آلفای کرونباخ مقیاس خودشناسی انسجامی در این پژوهش نیز ۰/۸۷ بود.

### یافته‌ها

به کمک تحلیل واریانس چندمتغیری، تفاوت بین دو گروه ازدواج سفید و ازدواج رسمی در مؤلفه‌های متغیر روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی آزمون شد. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ گزارش شده‌اند. همچنین، نرمال بودن داده‌ها با استفاده از کجی و کشیدگی متغیرها نشان داد که داده‌های پژوهش نرمال هستند.

این سیاهه، مفهوم بیگانگی به کمبود اعتمادبه خود در روابط و عدم موفقیت و نومی‌دی در تجربهٔ صمیمیت اشاره دارد. دل‌بستگی نایمن، به روابط بین فردی دردناک، حساسیت به طرد و تأکید بسیار زیاد به دریافت تأیید از دیگران مربوط می‌شود. خودمیان‌بینی متشکل از بی‌اعتمادی به دیگران و اعمال قدرت به آن‌ها است. بی‌کفایتی اجتماعی نیز به خجالتی‌بودن، شک و تردید به توانایی‌های خود در برقراری روابط (به‌ویژه در رابطه با جنس مخالف) و ناتوانی در مدیریت روابط اشاره دارد (گلدمن و اندرسون، ۲۰۰۷). هر کدام از ماده‌های این سیاهه دو گزینه «بله» و «خیر» دارد که گزینهٔ بله نمرهٔ ۱ و گزینهٔ خیر نمرهٔ صفر را به خود اختصاص می‌دهد. لازم به ذکر است که ماده‌های ۱، ۷، ۸، ۱۵، ۲۱، ۳۰، ۳۷، ۴۲ و ۴۵ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. همچنین، نمره‌گذاری این سیاهه از طریق نمرات T صورت می‌گیرد، به طوری که T معادل با نمره ۶۰ به عنوان نقطهٔ برش در نظر گرفته می‌شود و هر نمره‌ای بالاتر از این مقدار به معنای ناهنجاری در زیرمقیاس مربوطه است. بل (۲۰۰۷) ضرایب اعتباری آزمایهٔ دو هفته‌ای زیرمقیاس‌های این سیاهه را ۰/۵۸ تا ۰/۹۰ و همسانی درونی آن را ۰/۷۸ تا ۰/۹۰ گزارش کرده است. در ایران نیز ویژگی‌های روان‌سنجی نسخهٔ فارسی سیاههٔ روابط موضوعی بل توسط مسگریان، آزادفلاح، فراهانی و قربانی (۲۰۱۷) بررسی شده و نتایج تحلیل عاملی حاکی از ساختار چهار عاملی این مقیاس است. در این پژوهش، ضریب اعتبار عوامل مقیاس با استفاده از محاسبهٔ آلفای کرونباخ (۰/۶۶-۰/۷۷)، دونیمه‌کردن (۰/۶۰-۰/۷۷) و تنای ترتیبی کل مقیاس (۰/۸۶) به دست آمد. همچنین، روایی همگرا و واگرایی سیاههٔ روابط موضوعی بل از طریق محاسبهٔ همبستگی پیرسون با سطوح مکانیزم‌های دفاعی تأیید شد؛ بدین ترتیب که بین مکانیزم‌های دفاعی رشدنیافته با هر چهار عامل این سیاهه همبستگی مستقیم معنادار وجود دارد. علاوه بر این، عوامل بیگانگی و بی‌کفایتی اجتماعی با مکانیزم‌های دفاعی رشدیافته رابطه

## جدول ۲

میانگین، انحراف استاندارد، کجی و کشیدگی متغیرهای پژوهش

ازدواج سفید				ازدواج رسمی				مؤلفه	متغیر
KU	SK	SD	M	KU	SK	SD	M		
-۰/۰۷	۰/۶۶	۳/۲۵	۶/۰۷	-۰/۵۵	۰/۵۵	۳/۲۶	۵/۰۸	بی کفایتی اجتماعی	روابط موضوعی
-۰/۰۶	۰/۶۰	۳/۸۱	۶/۱۸	۰/۱۶	۰/۷۰	۳/۹۵	۵/۴۸	خودمیان بینی	
-۰/۷۷	۰/۱۹	۱/۹۱	۳/۶۲	۰/۸۷	۱/۰۰	۲/۱۸	۳/۶۰	دلبستگی نایمن	
۰/۵۵	۱/۱۰	۱/۴۲	۱/۵۲	-۰/۵۹	۰/۶۰	۱/۲۵	۱/۴۲	بیگانگی	خودشناسی انسجامی
۱/۹۸	-۱/۰۱	۲/۳۲	۸/۷۰	۳/۹۷	-۱/۶۳	۲/۳۰	۹/۵۰	خودشناسی تأملی	
-۰/۲۰	۰/۰۱	۳/۵۶	۸/۹۵	-۰/۷۳	-۰/۲۸	۴/۴۸	۹/۵۰	خودشناسی تجربی	
۰/۵۶	-۰/۶۳	۴/۰۷	۱۳/۷۸	۱/۰۳	-۱/۱۲	۴/۵۹	۱۴/۳۵	خودشناسی انسجامی	

علاوه بر این، نتایج آزمون همگنی واریانس نیز نشان داد که بین دو گروه در متغیرهای پژوهش تفاوت معناداری وجود ندارد و همگنی واریانس برقرار است (جدول ۳).

نتایج تحلیل واریانس چندمتغیری ویلکس لامبدا با ارزش  $۰/۹۲ (F(۴, ۱۱۵) = ۲/۵۱, P > ۰/۰۴)$  حاکی از این بود که بین دو گروه در تمامی متغیرها تفاوت معنادار وجود ندارد.

## جدول ۳

نتایج آزمون همگنی واریانس لوین

P	df <sub>2</sub>	df <sub>1</sub>	F	مؤلفه	متغیر
۰/۷۲۳	۱۱۸	۱	۰/۱۲۶	بی کفایتی اجتماعی	روابط موضوعی
۰/۸۳۹	۱۱۸	۱	۰/۰۴۱	خودمیان بینی	
۰/۶۲۰	۱۱۸	۱	۰/۲۴۶	دلبستگی نایمن	
۰/۶۲۷	۱۱۸	۱	۰/۲۳۷	بیگانگی	خودشناسی انسجامی
۰/۷۳۹	۱۱۸	۱	۰/۱۱۲	خودشناسی تأملی	
۰/۱۲۷	۱۱۸	۱	۱/۰۳۱	خودشناسی تجربی	
۰/۴۳۴	۱۱۸	۱	۰/۶۱۵	خودشناسی انسجامی	

مؤلفه‌های آنها نیز به صورت جداگانه تحلیل شد (جدول ۴).

در ادامه، تفاوت بین دو گروه در دو متغیر روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی و

## جدول ۴

نتایج آزمون مقایسه بین دو گروه ازدواج سفید و ازدواج رسمی در متغیرهای پژوهش

Parial $\eta^2$	P	F	MS	df	SS	مؤلفه	متغیر
۰/۰۲	۰/۱۰۱	۲/۷۳	۲۹/۰۱	۱	۲۹/۰۱	بی کفایتی اجتماعی	روابط موضوعی
۰/۰۱	۰/۳۲۵	۰/۹۸	۱۴/۷۰	۱	۱۴/۷۰	خودمیان بینی	
۰/۰۰۱	۰/۹۶۵	۰/۰۰	۰/۰۱	۱	۰/۰۱	دلبستگی نایمن	
۰/۰۰۱	۰/۶۸۳	۰/۱۱۷	۰/۳۰	۱	۰/۳۰	بیگانگی	خودشناسی انسجامی
۰/۰۳	۰/۰۶۰	۳/۶۰	۱۹/۲۰	۱	۱۹/۲۰	خودشناسی تأملی	
۰/۰۰۱	۰/۴۵۸	۰/۵۵	۹/۰۸	۱	۹/۰۸	خودشناسی تجربی	
۰/۰۰۱	۰/۴۷۶	۰/۵۱	۹/۶۳	۱	۹/۶۳	خودشناسی انسجامی	

بنابراین، نتایج تحلیل‌های آماری حاکی از آن بود که بین دو گروه ازدواج سفید و ازدواج رسمی در مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی تفاوت معناداری وجود ندارد.

## بحث

هدف از این پژوهش مقایسه مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی در زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی بود. نتایج پژوهش نشان داد افرادی که تجربه ازدواج سفید داشته‌اند و در حال حاضر به این شیوه در ایران زندگی می‌کنند در مؤلفه‌های روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی با افراد متأهلی که ازدواج رسمی کرده‌اند، تفاوت معناداری ندارند. از آنجا که تاکنون در ایران هیچ پژوهش مستقیمی در این زمینه صورت نگرفته است، ادبیات پژوهش‌چندانی که امکان مقایسه نتایج را فراهم آورد، یافت نشد. با این حال، پژوهش‌های متعددی وجود دارند که بر نقش این مؤلفه‌ها در کیفیت روابط بزرگسالی و سلامت روانی فرد تأکید کرده‌اند و یافته‌های این پژوهش در راستای آن‌ها قابل تأمل است.

مسئله این پژوهش زمانی شکل گرفت که نوعی تضاد در برخی یافته‌های پژوهش‌های گذشته مشاهده شد. به‌عنوان مثال، تعدادی از پژوهش‌ها نشان می‌دادند که روابط زوج‌ها در ازدواج سفید یا فاقد تعهد، صمیمیت، کیفیت و رضایتمندی لازم است (کریمیان و زارعی، ۲۰۱۶) یا این شاخص‌ها در قیاس با زوج‌های ازدواج رسمی در سطح پایین‌تری قرار دارد (روزنفلد و راسلر، ۲۰۱۹؛ معینی‌پور، ۲۰۲۱). از سوی دیگر، شواهدی عکس این پژوهش‌ها نیز وجود دارد که بر تعهدورزی، کیفیت نسبتاً خوب یا صمیمیت بین‌فردی در زوج‌های ازدواج سفید تأکید کرده‌اند (احمدوند شاهرودی و دیگران، ۲۰۲۲؛ اکبرزاده و هاشمیان فر، ۲۰۲۰؛ سهراب‌زاده و دیگران، ۲۰۱۷). از آنجا که عمده این بررسی‌ها از نوع کیفی بوده‌اند، تلاش شد تا در این پژوهش با اتخاذ روش کمی و طرح پژوهش علی-مقایسه‌ای درک روشن‌تری از تفاوت میان زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی به‌دست آید.

نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت معناداری در مؤلفه بی‌کفایتی اجتماعی میان دو گروه وجود ندارد. این مؤلفه بیانگر احساس ناتوانی در برقراری روابط بین‌فردی است. در همین زمینه، پژوهش ابراهیمی (۲۰۱۹) نشان داده است که کاهش فرصت‌های ازدواج و سرمایه‌های اجتماعی از جمله پیامدهای گرایش به هم‌خانگی به‌شمار می‌آید. سهراب‌زاده و دیگران (۲۰۱۷) نیز «سرخوردگی از ازدواج» را یکی از شرایط علی ازدواج سفید توصیف کرده‌اند. تفسیر یافته‌های این پژوهش در کنار یافته‌های گذشته از این منظر حائز اهمیت است که نشان می‌دهد این مؤلفه تفاوت معناداری در میان گروه‌های پژوهش ندارد. در نتیجه، یافته‌های این پژوهش با پژوهش ابراهیمی (۲۰۱۹) و سهراب‌زاده و دیگران (۲۰۱۷) ناهمسو است و نمی‌توان ارتباط علی محکمی بین این مؤلفه و انتخاب نوع سبک زندگی برقرار کرد. در تبیین این یافته می‌توان استدلال کرد که کاهش فرصت‌های ازدواج و سرمایه‌های اجتماعی الزاماً به بی‌کفایتی اجتماعی نمی‌انجامد، بلکه باید به‌دنبال عوامل دیگری بود. در رابطه با مؤلفه دوم یعنی خودمیان‌بینی نیز نتایج این پژوهش حاکی از عدم تفاوت معنادار میان گروه‌ها بود. به‌طور کلی، خودمیان‌بینی به‌معنای بی‌اعتمادی به دیگران و مهارگری آن‌ها است. اگرچه بنابر نتایج بسیاری از پژوهش‌ها، هم‌خانگی نوعی آزمایش‌گری برای سنجش عیار رابطه به‌شمار می‌آید (سفیدگر، ۲۰۱۷؛ سهراب‌زاده و دیگران، ۲۰۱۷) و این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که ممکن است تجارب ناخوشایند گذشته آن‌ها علت این امر باشد (به‌عنوان مثال، تجربه طلاق؛ کوپربرگ، ۲۰۱۹)، اما نتایج این پژوهش نشان داد که مؤلفه خودمیان‌بینی نیز در انتخاب ازدواج سفید یا ازدواج رسمی نقش مؤثری ندارد. در رابطه با این یافته می‌توان گفت که انتخاب ازدواج سفید الزاماً به‌دلیل آسیب‌های گذشته رخ نمی‌دهد، بلکه می‌تواند راهبردی عقلانی در مقابل فشارهای اجتماعی باشد. به عبارت دیگر، ازدواج سفید را نمی‌توان اقدامی خودخواهانه و همراه با نقض حقوق



یکدیگرند. به‌عنوان مثال، کریمیان و زارعی (۲۰۱۶) ازدواج سفید را رابطه‌ای معامله‌گونه و فاقد کیفیت و تعهد کافی توصیف کرده‌اند. از سوی دیگر، اکبرزاده و هاشمیان فر (۲۰۲۰) بر ریخت‌شناسی خاص و سیال تعهد در ازدواج سفید تأکید داشته‌اند. در مجموع، یافته‌های این پژوهش نشانگر عدم تفاوت آماری در این مؤلفه میان گروه‌های پژوهش بود. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که زوج‌های ازدواج سفید در تجربه صمیمیت نیز همانند زوج‌های ازدواج رسمی‌اند، چراکه به درکی شفاف از خود و خواسته‌هایشان در رابطه عاطفی رسیده‌اند و همچون زوج‌های ازدواج رسمی توانسته‌اند به فهمی مشترک در زندگی زناشویی دست یابند.

خودشناسی انسجامی نیز متغیر دیگری بود که در این پژوهش سنجش و اندازه‌گیری شد. نتایج تحلیل‌های آماری حاکی از آن بود که این متغیر نیز همانند سایر متغیرهای پژوهش نمی‌تواند نقش علی در انتخاب این دو نوع سبک زندگی داشته باشد. این یافته از دو منظر قابل تحلیل است. نخست آنکه خودشناسی انسجامی به تلاش‌های فعال افراد برای یکپارچه‌کردن تجارب گذشته، حال و آینده در جهت سازش و ارتقای خود اشاره دارد (قربانی و دیگران، ۲۰۰۸). دوم آنکه ازدواج سفید می‌تواند نوعی «راهبرد مراقبت از خود» در مقابل مشکلات جامعه در حال‌گذار کنونی ایران باشد (احمدوند شاهرودی و دیگران، ۲۰۲۲). نقطه اشتراک این دو عبارت که می‌توان آن را از منظر اجتماعی تبیین کرد، این است که ازدواج سفید یک رفتار انطباقی در واکنش به بحران‌های اقتصادی و اجتماعی حال حاضر جامعه ایران است. یافته‌های این پژوهش نیز که نشانگر عدم تفاوت معنادار میان زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی است بر همین مسئله تأکید دارد.

به‌طور خلاصه، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که در متغیرهای روابط موضوعی و خودشناسی انسجامی میان زوج‌های ازدواج سفید و ازدواج رسمی تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته می‌تواند رهنمون

افراد در نظر گرفت که این خود همسو با یافته‌های سهراب‌زاده و دیگران (۲۰۱۷) و ناهمسو با یافته‌های کریمیان و زارعی (۲۰۱۶) است.

ازدواج سفید، رابطه‌ای است که آینده آن چندان روشن نیست و بنا بر یکی از مقوله‌های هسته پژوهش احمدوند شاهرودی و دیگران (۲۰۲۲)، تجربه «زندگی در لحظه حال» است. علاوه بر این، اکثر افرادی که به ازدواج سفید روی می‌آورند، بازخورد خوشایندی به مقوله ازدواج رسمی ندارند (ابراهیمی، ۲۰۱۹) و عده‌ای از آن‌ها ترجیح می‌دهند همین سبک زندگی را ادامه دهند (کریمیان و زارعی، ۲۰۱۶). جمع‌بندی تمامی این موارد موجب ظهور این فرضیه شد که ممکن است نقص در الگوهای دلبستگی مانع شکل‌گیری پیوندی عمیق در روابط این افراد باشد. دلبستگی چنان جایگاهی در تبیین مشکل‌های روانی دارد که بالبی در نظریه دلبستگی خود، تحول روانی را بر پایه آن شرح می‌دهد. با این حال، یافته‌های پژوهش نشان داد که در این مؤلفه تفاوت معناداری بین افرادی که ازدواج سفید کرده‌اند و افرادی که ازدواج رسمی کرده‌اند، وجود ندارد. این یافته با پژوهش کریمیان و زارعی (۲۰۱۶) ناهمسو و به‌نوعی با پژوهش احمدوند شاهرودی و دیگران (۲۰۲۲) همسو است، زیرا در آنجا نیز نویسندگان گزارش داده‌اند که نشانه‌های دال بر دلبستگی نایمن در میان مصاحبه‌شوندگان مشاهده نکرده‌اند. همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، در جامعه حال حاضر ایران، ازدواج سفید دیگر به‌دلیل ناچاری و کاهش فرصت‌های ازدواج رخ نمی‌دهد، بلکه بیشتر به‌مثابه یک انتخاب آزاد همراه با رضایت‌مندی (احمدوند شاهرودی و دیگران، ۲۰۲۲) است. به‌عبارت دیگر، با توجه به یافته‌های این پژوهش، ازدواج سفید می‌تواند در آینده‌ای نزدیک همانند دیگر نقاط دنیا، به‌عنوان یک رقیب جدی برای ازدواج رسمی بدل شود.

اگرچه درباره مؤلفه بیگانگی نیز بررسی مستقیمی روی زوج‌های ازدواج سفید صورت نگرفته است، اما برخی مفاهیم مرتبط با این مؤلفه در ادبیات پژوهش یافت می‌شود که در تضاد با

- Ahmadvand Shahverdi, M., Pourhosein, R., & Gholamali Lavasani, M. (2022). A phenomenological exploration of cohabitation (Case study: Youth in Tehran). *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal*, 10(11), 39-50. [In Persian].
- Akbarzadeh, F. & Hashemianfar, S. (2020). From conventional ethics to post-conventional ethics: Typology of commitment experience in cohabitation. *Journal of Sociology of Social Institutions*, 6(14), 177-206. [In Persian].
- Azad Armaki, T., Sharifi Saeed, M., Isari, M., & Talebi, S. (2012). Cohabitation; The new family pattern in Tehran. *Sociological Cultural Studies*, 3(1), 43-77. [In Persian].
- Bartolf, L. K. (1991). *A concurrent validity study of the Comprehensive Object Relations Profile relative to the Ego Function Assessment Questionnaire-Revised*. Doctoral dissertation, School of Psychology, Biola University.
- Bell, M. D. (2007). *Bell Object Relations and Reality Testing Inventory: BORRTI*. Western Psychological Services.
- Carr, D. (2011). Premarital sex in America: How young Americans meet, mate, and think about marriage by Mark Regnerus and Jeremy Uecker. *American Journal of Sociology*, 117(3), 295-309.
- Ebrahimi, M. (2019). A study on the causes, areas and implications of the youth tendency to cohabitation (Case study: Youth in Tehran). *Strategic Studies on Youth and Sports*, 18(45), 127-148. [In Persian].
- Farahmand, M., Javaherchian, N., & Javaherchian, L. (2014). Globalization of culture and rethinking of sexual interactions: A case study of the youth in Yazd. *Strategic Studies of Public Policy*, 5(14), 175-204. [In Persian].
- Ghorbani, N., Christopher, J., Cunningham, C., & Watson, P. J. (2010). Comparative analysis of integrative self-knowledge, mindfulness. *International Journal of Psychology*, 42(2), 147- 154.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., Bing, M. N., Davison, H. K., & LeBreton, D. L. (2003). Two faces of self-knowledge: Cross-cultural development of measures in Iran and United States. *Genetic, Social, and General Psychology Monographs*, 129, 238-268.

پژوهش‌های آینده در زمینه عوامل مؤثر بر سبک‌های نوظهور زندگی در جامعه در حال گذار ایران باشد و به گسترش تبیین‌های روان‌شناختی این پدیده کمک کند. با توجه به اینکه طرح این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای بود و کنترل دقیق متغیرهای مزاحم در این طرح امکان‌پذیر نیست، نمی‌توان بین متغیرها روابط علی محکم برقرار کرد و باید در تفسیر یافته‌های پژوهش احتیاط کرد. به‌عنوان مثال، از آنجا که همگن‌سازی گروه‌ها در یک یا دو متغیر الزاماً به همگن‌شدن دیگر متغیرها نمی‌انجامد، پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های بعدی با استفاده از روش‌های قوی‌تر آماری، کنترل بیشتری بر متغیرهای مزاحم احتمالی اعمال شود. علاوه بر این، اجرای طرح‌های پژوهش آمیخته از نوع اکتشافی در این حیطه می‌تواند در آینده به درک دقیق‌تر جنبه‌ها و عوامل ناشناخته آن منجر شود. روش نمونه‌برداری دردسترس و اجرای آنالاین پژوهش نیز از دیگر محدودیت‌های پژوهش کنونی بود که تعمیم نتایج را با دشواری مواجه می‌سازد. در نتیجه پیشنهاد می‌شود تا در پژوهش‌های آینده با محدودکردن جامعه آماری و انجام نمونه‌برداری‌های دقیق‌تر این مانع نیز برطرف شود. در پایان، یافته‌های این پژوهش می‌تواند در ریل‌گذاری سیاست‌های کلان در موضوع خانواده و جوانان سودمند واقع شود، چراکه اولین گام برای مدیریت صحیح پدیده‌های اجتماعی، فهم دقیق عوامل آن است.

## منابع

- Agh Atabay, S. (2015). Investigating the moderating role of self-knowledge processes on the relationship of transliminality with narcissism, psychopathy and mental health. Master's thesis, University of Tehran. [In Persian].
- Ahmadi, S., Azadfallah, P., & Farahani, H. (2018). The assessment of prevalent relationship patterns among Iranian couples, according to core conflictual relationship theme: A qualitative study. *Clinical Psychology Studies*, 8(32), 67-92. [In Persian].

- Mesgarian, F., Azadfallah, P., Farahani, H., & Ghorbani, N. (2017). Psychometric properties of Bell Object Relations Inventory (BORI). *Clinical Psychology and Personality, 15*(2), 193-204. [In Persian].
- Moeinipour Z. (2021). Comparison of relaxed lifestyle, family functioning and spouses' sense of happiness among white, traditional and modern married couples. *Rooyesh-e-Ravanshenasi Journal, 10*(1), 35-52. [In Persian].
- Razeghi, N., Mazaheri, M. A., & Ahadi, H. (2005). The role of attachment styles in mate selection preferences. *Developmental Psychology: Iranian Psychologists, 11*(44), 405-415. [In Persian].
- Rosenfeld, M. J., & Roesler, K. (2019). Cohabitation experience and cohabitation's association with marital dissolution. *Journal of Marriage and Family, 81*(1), 42-58.
- Sant Clair, M. (2011). *An Introduction to thematic relationship and psychology itself*. Teanslated by A. Tahmasb & A. Aghaee, Tehran: Ney Publication. [In Persian].
- Sefidgar, F. (2017). *The relationship between social order and cohabitation among youth in Tehran*. Master's thesis, Shahid Beheshti University. [In Persian].
- Sohrabzadeh, M., Norozi, M., & Asghari Kaviri, A. (2017). Cohabitation, motivations and contexts. *Sociology and Lifestyle Management, 3*(9), 189-249. [In Persian].
- Winnicott, D. W. (1965). *The maturational processes and the facilitating environment: Studies in the theory of emotional development*. New York: International Universities Press
- Zhang, Y. (2017). Premarital cohabitation and marital dissolution in postreform China. *Journal of Marriage and Family, 79*(5), 1435-1449.
- Ghorbani, N., Watson, P. J., & Hargis, M. B. (2008). Integrative self-knowledge scale: Correlations and incremental validity of a cross-cultural measure developed in Iran and United States. *The Journal of Psychology, 142*, 395-412.
- Golchin, M. & Safari, S. (2017). Tehran metropolis and the emergence of symptoms of new form of the male-female relationships: The study of the fields, processes and consequences of cohabitation. *Journal of Iranian Cultural Research, 10*(1), 29-57. [In Persian].
- Goldman, G. A., & Anderson, T. (2007). Quality of object relations and security of attachment as predictors of early therapeutic alliance. *Journal of Counseling Psychology, 54*(2), 111-117.
- Karimiyan, N., & Zarei, E. (2016). A qualitative study: The effect of opposite-sex premarital cohabitation on women's life status. *Quarterly Journal of Women and Society, 7*(26), 39-68. [In Persian].
- Kelly, F. D. (2014). *The assessment of object relations phenomena in adolescents: Tat and Rorschach Measure*. New York: Routledge.
- Khalajabadi Farahani, F., Kazemipour, S., & Rahimi, A. (2013). The influence on premarital heterosexual relationships on marital timing and marital desire among college students in Tehran. *Journal of Family Research, 9*(1), 7-28. [In Persian].
- Kuperberg, A. (2019). Premarital cohabitation and direct marriage in the United States: 1956-2015. *Marriage & Family Review, 55*(5), 447-475.
- Marković, Z. (2000). Psychoanalytic conception of marriage and marital relationships. *The Scientific Journal Facta Universitatis, 2*(7), 379-389.

